داستان‌های داوطلبانه

# خودکشی، مرگ تصادفی یا عدم‌پذیرش قتل؟

سعید اصغرزاده

دیروز خبر دیگری میخکوبم کرد: یک خودکشی دیگر در مترو! اما خبر اول این بود: «یک ساعت پیش مرد میانسالی در ایستگاه مترو دروازه شمیران به دلیل فشار جمعیت به محوطه ریل پرتاب شد و به دلیل برخورد با قطار جان خود را از دست داد». بعد خبر تبدیل شد به این: «مدیرکل روابط عمومی شرکت بهره‌برداری متروی تهران از خودکشی یکی از شهروندان در ایستگاه مترو دروازه شمیران خبر داد. او گفت: امروز در ایستگاه مترو دروازه‌شمیران مردی از مسافران که بین ۳۰ تا ۴۰ سال سن داشت، خود را جلوی قطار انداخت که این اتفاق منجر به مرگ وی شد.»

مرگ یا خودکشی؟ یا عدم مسئولیت پذیرش اشتباه؟ خبر سوم این بود: «باوجود تأکید مسئولان مترو مبنی بر خودکشی بودن این اتفاق براساس بازبینی فیلم‌های مترو اما شاهدان عینی تأکید دارند این مرد قصد خودکشی نداشته و تنها به دلیل ازدحام جمعیت در هنگام ورود قطار به ایستگاه به محوطه ریلی پرتاب شده است.» پیش خودم می‌گویم نکند عدم امکانات و بی‌توجهی مسئولان به امنیت مراکز عمومی موجب خودکشی دادن مردم باشد؟ نکند آمار رئیس سازمان پزشکی قانونی از خودکشی در سال گذشته که تعدادش به ۴۰۵۵ تن رسیده شامل خودکشی‌های اجباری هم باشد! تازه این آمار خودکشی‌های کامل است که به مرگ هم انجامیده و الا...

ما برای چه باید خودکشی کنیم؟ آن‌هم روزی ده تا ده تا که یازده تایش منجر به مرگ شود! نیکوس کازانتزاکیس در کتاب «چین و ژاپن» خود می‌نویسد: «در چین معمول‌ترین راه خودکشی دارزدن است؛ بعد نوبت به استعمال حشیش به مقدار زیاد و تیغ می‌رسد. هر کس مرتکب خودکشی می‌شود، برای آن که مطمئن شود مرگش دشمنش را نابود خواهد کرد، دلایل خودکشی‌اش را بر روی بدنش می‌نویسد و مسئول مرگ خود را معرفی می‌کند. بدینگونه چینی‌ها همیشه می‌ترسند که مبادا برای تقاص گرفتن، دست به خودکشی بزنی. یک شب شخصی یک روستایی را غارت کرد، کیسه پولش را برداشت و رفت. روستایی فریاد زد به من رحم کن، کیسه پولم را برگردان، اما دزد تندتر دوید. روستایی دوباره فریاد زد به من رحم کن، اگر پولم را ندهی خودم را می‌کشم! دزد ترسید و بی‌درنگ کیسه پول را به روستایی برگرداند.»

حالا این جا شاید یکی افتاده است زیر مترو، می‌گوییم خودکشی بوده است و خلاص! یک وقت هست آدم جنایت کرده است و از ترس جنایت تن به خودکشی می‌دهد که شاید توجیه داشته باشد. مثل «هیدکی توجو»، نخست‌وزیر ژاپن. او یکی از عاملان شرکت ژاپن در جنگ جهانی دوم بود ولی یک‌سال پیش از پایان جنگ، استعفا داد. با ورود آمریکاییان به توکیو، لحظاتی پیش از دستگیری‌اش به دست ارتش آمریکا، اقدام به خودکشی کرد، اما جانش نجات داده شد. سپس در دادگاه جنگی محکوم به اعدام و سه‌سال بعد حکم در موردش اجرا شد.

یک وقت هست مثل زندانیان زندان‌های انگلیس خودکشی روی بورس می‌افتد و تند و تند زندانیان به بهانه آزار و شکنجه و بی‌فرجامی و شرایط سخت خودکشی می‌کنند. یک وقت هم هست آدم ذاتا ضعیف است و آسیب می‌بیند و راهی ندارد. مثل آن دختر پانزده ساله کانادایی که خودکشی کرد. حالا گروه هکرهای انانیموس، هویت کسی که این دختر نوجوان را مورد آزار اینترنتی قرار داده و با داشتن تصاویر عریان‌اش، او را تهدید به انتشارش در صورتی که جلوی دوربین برایش لخت نشود کرده بود، را فاش کرده است. لابد می‌پرسید انانیموس دیگر چیست؟ البته ربطی به بحث امروز من ندارد اما برایتان می‌گویم که انانیموس، گروهی است که از همکاری با ویکی لیکس، تا سایر کمپین‌های اینترنتی، همه کار می‌کند... اینها که تا به این حد ضد نهاد (anti establishment) هستند، می‌گویند کارهایی که انانیموس می‌کند، مداخله در امور قضایی است. اما واقعیت این است که عده‌ای هکر که ممکن است در حال عادی مشغول کلاهبرداری اینترنتی باشند، به‌صورت داوطلبانه به اموری شرافتمندانه‌تر چون حمایت از انسان‌های بی‌پناه در اینترنت روی آورده‌اند.

بگذارید بحث را جمعش کنم. من می‌پرسم مسئول مرگ غیرعادی احدی از آحاد مردم کیست؟ چه خودکشی باشد و چه نباشد؟ چه سقطی بر اثر پارازیت باشد چه مرگی بر اثر هوای ناشی از بنزین آلوده؟ و ما چه فعالیت داوطلبانه‌ای در این خصوص می‌توانیم داشته باشیم؟ آگاهی بخشیدن به مردم ناامید که خودکشی نکنند؟ بیرون نروند؟ نفس نکشند! کارزار اینترنتی ضدخودکشی راه بیندازیم؟ برای مسئولیت‌پذیری مسئولان فرهنگسازی کنیم؟ پرونده‌های قضایی را پیگیری کنیم؟ خواهان امنیت بیشتر مترو شویم؟ به آن همسایه که نان ندارد بخورد نان بدهیم؟ و... پاسخ آسان است. هر نوعدوستی شما می‌تواند به نجات جان انسانی بینجامد. هر اقدام اطلاع‌رسانی و کار فرهنگی... دیگر گذشته آن دوره‌ها که کسی خودکشی می‌کرد بنویسد: «می‌خواهم خودکشی کنم/لباسی پلنگی می‌پوشم!»

گردشگری

مسافران قطار گردشگری بین‌المللی از حرم امام رضا(ع) دیدن کردند

# چادر سفید گل گلی؛ حجاب جدید زنان گردشگر «عقاب طلایی»

**شهروند|** حجاب برایشان جذابیت دارد. تعداد زیادی از گردشگران زن خارجی وقتی به ایران می‌آیند، می‌گویند علاوه بر دیدن میراث فرهنگی و مناطق گردشگری ایران، روسری پوشیدن و به تن کردن لباس‌های بلند، یکی از جذابیت‌های سفرشان به ایران است؛ اما حجاب گردشگران زن خارجی همیشه به روسری و مانتو خلاصه نمی‌شود. نمونه‌اش همین مسافران نخستین قطار بین‌المللی لوکس گردشگری یا همان عقاب طلایی که چند روز پیش از اروپا و از طریق مرز ریلی رازی - کاپیکوی وارد ایران شدند. آنها حالا و بعد عبور از تبریز و زنجان به مشهد رسیده‌اند. تصاویری که در روز گذشته از ورود این گردشگران به حرم امام رضا(ع) منتشر شده، توجه خیلی‌ها را جلب کرده است. زنان گردشگر این قطار بین‌المللی که از کشورهای آلمان، روسیه، سوئیس، دانمارک، انگلستان، استرالیا، آمریکا، هلند، سوئد، فرانسه، مکزیک و مجارستان به ایران آمده‌اند حالا چادر سفید به سر کرده، حجاب کامل کرده و به دوربین‌های عکاسان لبخند می‌زنند. تعدادی از این زنان اروپایی نظرات جالبی درباره حجاب در ایران دارند. «لیزا» که مجارستانی است و به همراه دو نفر از دوستانش با «عقاب طلایی» برای اولین بار به ایران آمده، درباره تجربه‌اش از داشتن حجاب در ایران گفته است: «من چندین روسری زیبا از شیراز خریدم و اصلاً دوست ندارم که آنها را دربیاورم. به نظر من یکی از جذابیت‌های ایران همین پارچه‌های رنگارنگ و زیباست. من روسری‌ام را خیلی دوست دارم و برای دوستانم هم از همین مدل‌ها خریده‌ام. حجاب خیلی راحت است و ما اصلا اذیت نشدیم. ما اول فکر می‌کردیم که باید فقط سرمان را بپوشانیم اما وقتی به دختران ایرانی دقت کردیم، دیدیم آنها گردنشان را هم پوشانده‌اند و به همین خاطر من هم روسری‌ام را دور گردنم گره زدم.» «رام دوم» یا همان «عقاب طلایی» از طریق ترکیه وارد ایران شده و در برنامه ۱۲ روزه خود از شهرهای زنجان، یزد، کرمان، شیراز، اصفهان، مشهد و تهران دیدن خواهند کرد. این قطار ۱۲ آبان‌ماه جاری ایران را به مقصد ترکیه ترک خواهد کرد.

سلامت

فراخوان سازمان انتقال خون برای دارندگان گروه خونی «O-»

# ۴ درصد ایرانیان گروه خونی «O-» دارند

**شهروند|** همین چند روز پیش بود که سازمان انتقال خون از فراخوان اهدای گروه‌های خونی «O+» و «O-» برای طرح مدیریت بحران خبر داد. فراخوانی که بیش از همه دارندگان گروه‌های خونی همگانی را خطاب قرار داده بود، کسانی که به‌دلیل ویژگی خونی‌شان، محدودیتی برای دریافت‌کنندگان خون ایجاد نمی‌کند. سازمان انتقال خون تأکید می‌کند که تصادفات، زلزله و... شرایط بحران هستند، به همین خاطر در اختیار داشتن میزان قابل توجهی از این گروه خونی، می‌تواند حتی در تعطیلات نوروزی که میزان تصادفات بالاست، مورد استفاده قرار گیرد. گروه خونی «O-» بیش از سایر گروه‌های خونی برای «بحران» مفید است. براساس اعلام این سازمان، افراد از نظر خونی به دو دسته Rh+ و Rh- و از نظر گروه خونی به چهار گروه، A،B،AB و O تقسیم می‌شوند، یعنی اگر فرد روی گلبول قرمزش آنتی‌ژن خاصی داشته باشد، در گروه مثبت‌ها قرار می‌گیرد و اگر آن آنتی‌ژن را نداشته باشد، گروه خونی‌اش منفی است. زیر گروه مثبت‌ها، A+، B+، O+ و AB++ هستند، زیر گروه منفی‌ها هم، AB-، B-، A- و O- هستند. گروه‌های خونی مثبت باید تنها به زیرمجموعه‌های خودشان خون دهند و منفی‌ها هم در گروه خودشان. اگر خون تزریق‌شده، با خون‌دهنده ناسازگار باشد، مولکولی که در پلاسما قرار دارد، برای دفاع از بدن، شروع به لخته کردن خون می‌کند و ممکن است در نوع شدید آن منجر به مرگ گیرنده خون شود. در این میان تنها دارندگان گروه خونی «O-» هستند که می‌توانند به تمام گروه‌های خونی، خون بدهند، در حالی که گروه خونی «O+» تنها به گروه مثبت‌ها می‌تواند خون اهدا کند. همین هم شده تا خون این گروه‌ها، ارزشمند شناخته شود، حالا هم در تمام پایگاه‌های انتقال خون سراسر کشور، لیستی از دارندگان این گروه خونی تهیه شده تا در مواقع بحران از آن استفاده شود. آمارها نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی گروه خونی در میان ایرانیان با ۳۴ درصد به گروه خونی «O+» تعلق پیدا می‌کند. پس از آن «A+» با ۲۶ درصد، «B+» با ۲۲ درصد، «AB+» با درصد، «O-» با ۴ درصد، «A-» با ۳ درصد، «B-» با ۲ درصد و «AB-» با یک درصد قرار می‌گیرند. براساس همین آمار، حالا حدود ۳ میلیون و ۸۰ هزار ایرانی، گروه خونی «O-» دارند.

# وزیر بهداشت چشم کوچکترین مرد دنیا را معاینه کرد

**شهروند|** کوچکترین مرد دنیاست اما پولی برای ثبت رکوردش در کتاب گینس ندارد. ۴۹ ساله است. در این سال‌ها اما به خاطر شرایط فیزیکی‌اش، کمتر پزشکی حاضر به کمک و درمان او شده. حالا بینایی یک چشمش را از دست داده و آن دیگری هم در آستانه کور شدن است. سنگ کلیه و مشکلات متعدد دهان و دندان و پادرد دارد.

تحت پوشش هیچ نوع بیمه‌ای نیست. براساس خبری که روی خبرگزاری تسنیم قرار گرفته، حالا همین کوچکترین مرد دنیا، اتفاق مهمی در زندگی‌اش رخ داده؛ حسن هاشمی، وزیر بهداشت چشم‌هایش را معاینه کرده و گفته که اگر کمی دیرتر مراجعه می‌کرد، امیدی به بهبودی چشم دیگرش نبود. وزیر بهداشت تنها چشمان این مرد را معاینه نکرد، بلکه دستور داد تا بیماری‌های دیگرش هم از سوی متخصصان بررسی و درمان شود.

نمای نزدیک

عکس: خبرگزاری میراث فرهنگی

## آشفتگی سیم‌ها در بازار تهران

مشکل امروز نیست. سال‌های سال است که سیستم برق‌کشی بازار تهران دچار آشفتگی است. در حالی‌که بسیاری از ساختمان‌ها، گذرها، دالان‌ها و کوچه‌های بازار در فهرست آثار ملی ثبت شده و هیچ جهانگردی نیست که ایران را بدون بازدید از بازار قدیمی تهران ترک کند. کارشناسان بسیاری از آتش‌سوزی‌های هر باره بازار را ناشی از وضع نامناسب این سیستم می‌دانند. این تصاویر تنها گریزی است به بخش‌هایی از بازار که از وجود انبوه سیم‌های روکار رنج می‌برد و بلای جان بسیاری از بازاری‌ها شده است.

ایران زمین

اصفهانی‌ها چشم به راه نیمه آبان

# زاینده‌رود به زودی زنده می‌شود

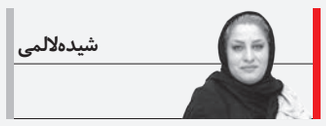

شیده لالمی

«ما عاشق می‌شدیم می‌رفتیم لب زاینده‌رود. عروسی‌مان بود با مهمان‌ها می‌رفتیم لب زاینده‌رود. درد و داغ داشتیم، کسی را از دست می‌دادیم، می‌گفتیم پاشیم بریم لب زاینده‌رود. اینطور بگم که خوشی و ناخوشی این مردم کنار زاینده‌رود بوده، زاینده‌رود هم که نه زنده‌رود...»

«محمد» اینها را با لهجه اصفهانی می‌گوید، اصفهانش را «اصفهون» می‌گوید و دلش می‌خواهد مثل بسیاری از اصفهانی‌ها به جای «زاینده‌رود»، بگوید «زنده‌رود». انگار اصفهانی‌ها با این «زنده‌رود» گفتن دلشان آرام می‌گیرد و فکر می‌کنند که زاینده‌رود نمرده است و زنده می‌شود. در اصفهان، شهری که در هفته‌های اخیر در التهاب اسیدپاشی سوخته، این روزها خیلی‌ها چشم به راه پانزدهم آبانند؛ روزی که قرار است آب را باز کنند.

اصفهانی‌ها شب‌ها می‌آیند روی سی و سه پل و به برهوت زاینده‌رود نگاه می‌کنند. سال‌های خشکسالی زاینده‌رود بر آنها سخت گذشته از بس که زندگی‌شان، خاطره‌هایشان و خوشحالی‌شان به این رودخانه بسته: «اصفهان افسرده شده. روی سی و سه پل بایستید از هر ۱۰ نفری که رد می‌شوند ۹ نفر آه می‌کشند. اصلا نمی‌شود از زاینده‌رود رد شویم و خون به جگرمان نشود.» «مهدی» که در چهارباغ ساعت‌فروشی دارد اینها را می‌گوید و آهی هم آخر حرف‌هایش می‌کشد اما پشت سر این آه امید هست: «گفتند ۱۵ آبان آب می‌اندازند، حالا ببینم عمل می‌کنند یا مثل وعده‌های قبلی می‌گویند و یادشان می‌رود.» آنطور که پیداست ۱۵ آبان امسال برای اصفهان روز دیگری است. دیروز «محمد مجابی»، معاون سازمان محیط‌زیست از آزادسازی آب زاینده‌رود در چند روز آینده خبر داد و گفت: «در چند روز آینده شاهد زنده شدن زاینده‌روز خواهیم بود.» به گفته او آزادسازی آب از محل سد زاینده‌رود طی دو مرحله صورت می‌گیرد و جریان آب در زاینده‌رود به حرکت خواهد آمد. او همچنین گفته: «در منطقه زاینده‌رود با کاهش بارندگی و افزایش مصرف مواجه بودیم که این امر باعث کاهش منابع آبی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ میلیون متر مربع در آن مناطق شده بود.» مردم اصفهان اما این حرف‌ها را باور ندارند آنها می‌گویند عامل خشکی زاینده‌رود خط لوله انتقال آب سد به یزد، کرمان، کاشان و قم و برداشت بی‌رویه سالیانه آب در بالادست رودخانه است.

زاینده‌رود بزرگترین رودخانه فلات مرکزی ایران که در فهرست میراث طبیعی ایران ثبت شده، در دهه اخیر خشکی‌های طولانی‌مدتی را پشت‌سر گذاشته است. برهوت زاینده‌رود علاوه بر پیامدهای گسترده اقتصادی و زیست‌محیطی، نوعی نارضایتی و حتی افسردگی اجتماعی را در اصفهان ایجاد کرده است. چنان که «محمدرضا محبوب»، پژوهشگر و محقق مدیریت بحران شهری معتقد است خشک شدن زاینده‌رود تنها بر صنعت کشاورزی تاثیر نگذاشته و این مسأله یکی از آسیب‌های وارده به پیکره جامعه اصفهان محسوب می‌شود چرا که این رودخانه از دیرباز در حفظ روحیه مردم و سرزندگی آنها بسیار تاثیرگذار بوده است. او در این‌باره به «مهر» گفته: «شاید در ابتدا این موضوع منطقی به نظر نرسد که تغییر اقلیم می‌تواند در روحیه افراد تاثیرگذار باشد اما با خشک شدن زاینده‌رود شاهد بودیم که این مسأله در روحیه اصفهانی‌ها و به‌ویژه شیوع افسردگی در برخی مناطق بسیار تاثیرگذار بوده است.» همین چند هفته پیش حسن روحانی در مصاحبه تلویزیونی‌اش گفت: «دوست دارم ببینم آب در زاینده‌رود جاری است.» جمله‌ای که وقتی از دهان رئیس‌جمهوری بیرون آمد خیلی از اصفهانی‌ها احساس غرور کردند و شاید هم احساس امید. تا ۱۵ آبان چند روزی بیشتر نمانده، پنج روز تا زنده شدن زاینده‌رود، تا زاینده شدن زنده‌رود که زندگی اصفهان به زنده بودن آن بسته‌است.

عکس: نسیم اعتمادی / شهروند

پیام شهروند

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

● از ماست که بر ماست، آن هم ماست پالم‌دار

**شهروند: بدون پالم هم از ماست که بر ماست!**

● نه فقط روزنامه شما که هر رسانه چاپی و آنلاین خبری را که می‌خوانم هر روز ناامیدتر می‌شوم. محض رضای خدا یک اتفاق خوب هم در این مملکت نمی‌افتد که درباره‌اش بنویسید؟ یا اسیدپاشی یا خمیر مرغ یا اختلاس یا آمار بالای طلاق یا رنج مردم از بیماری‌های روحی یا بنزین آلوده تولید داخل یا تورم یا بیکاری یا... کاری می‌کنید اصلا روزنامه نخوانیم...

**شهروند: برخی اخبار جنبه هشدار دارد که باید به آنها پرداخت تا جامعه آگاه شود ولی درباره اختلاس و نظایر آن اتفاقا اگر فضایی فراهم شود تا رسانه‌ها به‌عنوان چشم ناظر جامعه آزادانه به این تخلفات بپردازند، می‌توانند در کنترل مفاسد اقتصادی موثر باشد.**

● خواستم از این طریق از مثلا مسئولان شهرداری تشکر کنم که برای دریافت اجاره‌بهای یک تابلو تبلیغاتی پل عابر پیاده را تبدیل به تجمع زورگیران و کارتن‌خواب‌ها کرده‌اند. ممنونم. زیاده عرضی نیست سلام ما شهروندان را برسانید به مثلا مسئولان.

**شهروند: بله! چشم! می‌رسانیم!**

● آنچه مردم را نگران می‌کند، تجربه تلخ همدست شدن چوپان با گرگ گله است، می‌گویید نه؟! بفرمایید از پرونده واردات خون‌های آلوده چه خبر؟!

**شهروند: سال‌هاست که رسانه‌ها هر از گاهی به این پرونده می‌پردازند ولی راستش همه منتظر دریافت یک پاسخ روشن و قاطع هستیم همچنان!**

● این همه هیاهو برای کیفیت بنزین به‌دلیل پنهان کردن مقصر اصلی آلودگی هوا است. خودروسازان با آسودگی تماشاگر این هیاهو هستند و همچنان کجاوه‌های مرگ به مردم می‌فروشند.

**شهروند: البته دوست عزیز کیفیت بنزین‌های آلوده با کیفیت خودروهای داخلی دو بحث جداگانه است.**

● و آن سوتر، «بچه پولدارهای تهران» عکس ساعت‌های مچی گرانقیمت و خانه‌های میلیاردی و خودروهایی که حتی هنرپیشگان ثروتمند غربی سوار نمی‌شوند را در همه‌جا به نمایش می‌گذارند تا نشان دهند ثروت ملی که به همه تعلق دارد، چگونه با رانتخواری و... در دست درصد بسیار اندکی چنان انباشته می‌شود که ثروت بادآورده نیز ارضایشان نمی‌کند و در پی شهرتند. مگر نه این که می‌گویند، کاخی بنا نمی‌شود تا کوخ‌هایی تخریب نگردیده باشند؟

**شهروند: همین‌طور است. متاسفانه پدیده نوکیسگی چند سالی است در ایران بیداد می‌کند. چه در حوزه سیاست، چه اقتصاد و جامعه!**

● درود! به‌نظرم بد نیست در مورد آموزش خدمات داوطلبانه از مدارس شروع کرد و اگر مطالبی در این مورد هم به رشته تحریر درآید اثرات مطلوبی خواهد گذاشت. با تشکر

**شهروند: فرمایش‌تان متین است و دقیق.**

● مسائل و تفاوت دستمزد کارکنان پیمانی را پوشش دهید لطفا.

**شهروند: چشم، حتما.**

## جدول شماره ۴۱۸

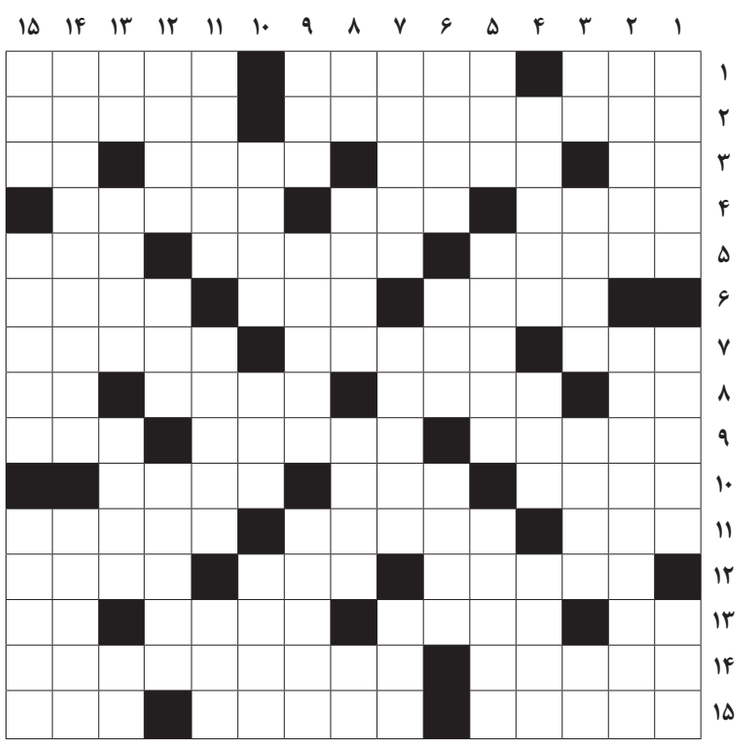

**افقی**

۱- کشور شمال شرقی آفریقا- عنوانی در دربارهای صفوی و قاجار- مانند و همانند
۲- کنایه از اوضاع درهم و برهم- قضاوت
۳- خط‌کش مهندسی- سیاه - ماهی فروش- برگ برنده
۴- آهن ترکی- عدل و انصاف- عیب و نقص
۵- رئیس‌شدن- زیردست- سرسبز
۶- عدم حضور- بازداشتن- گوزن کوچک جثه ایرانی
۷- از بروج فلکی- سرزمین تاگور- تنباکو
۸- از طوایف غیور ایران- سحر و افسون- قطعه ضروری برای روز مبادا- پسوند فاعلی ترکی
۹- پر کردن- وسیله- خوردن
۱۰- بندری در جنوب- بزرگ‌ترین جزیره فرانسه- قراردادی که بخشی از خسارت را جبران می‌کند
۱۱- دوست- صبحانه نخورده- همسایه
۱۲- دلاوری- بوته اولیه برنج- خانه‌های ریز عکس
۱۳- بندگاهی در دست- بانی سلطنت مغولان در هند- ظرف غلات و حبوبات- نفی عرب
۱۴- شهری در استان اصفهان- بخشندگی و سخاوت
۱۵- فرومایگی- هم‌نبرد- مبهوت از کیش

**عمودی**

۱- پرتوان- تقویم عمر خیام- طنابی از الیاف نخل
۲- یکدل- مجموعه اشعاری از سهراب سپهری
۳- تکرار یک حرف- شورشی- نگاه و نظر- کلمه انتخاب
۴- اولین بهره‌بردار نفت ایران- بندر مادر بزرگ در عربستان- وضعیت هوای بارانی
۵- رودمرزی- درخشان- پشیمانی
۶- مقابل قیام- مکانی در زندان‌ها- نویسنده
۷- کار؛ عمل- دستگاهی در بدن- لایه حاوی موادمعدنی
۸- فرمانده بدن- از عروسک‌های ملی- مسدود کردن- بوییدن
۹- آدم جدی و سخت‌گیر- فیلمی به کارگردانی بهروز شعیبی با هنرنمایی رضا عطاران- نمایان
۱۰- مکان و آشیان- عادت و خو- مرض لاعلاج
۱۱- پایتخت اشکانیان و ساسانیان- بزرگداشت- قسمت
۱۲- شکرگزار- زوج- عالمی که به درجه اجتهاد رسیده باشد
۱۳- گروه خونی اکثر ایرانی‌ها- برادری- گل باغچه‌ای دارای گل‌های درشت و پربرگ- زهر
۱۴- اثری از گالزورثی نوبل گرفته در سال ۱۹۳۴- پایتخت جزیره مالت
۱۵- کلمه سکوت- شهر مقر حکومت در فیلیپین- تیراندازی کردن

حل جدول شماره ۴۱۷

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ت | ا | ر | ا | س | ب | و | ل | ب | ا | ■ | ر | ز | ا | ق |
| ۲ | ی | ت | ی | م | ■ | س | ر | ی | ■ | ا | ر | ب | ی | ل | ■ |
| ۳ | ا | ر | ز | ■ | پ | ا | م | ل | ا | ■ | ا | ذ | ر | ■ | ا |
| ۴ | ن | ا | ■ | د | ا | و | ■ | ا | ل | ی | ز | ه | ■ | گ | ر |
| ۵ | ! | ■ | م | ش | ■ | ا | ل | ■ | ف | و | ق | ■ | ا | ر | ا |
| ۶ | ن | ش | ت | ■ | پ | ی | و | س | ■ | س | ی | ا | ت | ی | ک |
| ۷ | م | ک | ■ | ی | ا | ی | ■ | ن | ا | ف | ■ | خ | م | س | ■ |
| ۸ | ن | ■ | م | و | ر | ■ | ن | ج | ف | ■ | م | ر | ی | ■ | م |
| ۹ | ■ | ب | ی | ر | ■ | ش | م | ا | ■ | ا | ل | ا | ■ | ی | ی |
| ۱۰ | پ | ر | خ | و | ر | ی | ■ | ب | ا | س | ک | ■ | غ | د | س |
| ۱۱ | و | ن | ک | ■ | س | ر | ه | ■ | ن | ت | ■ | ک | م | ■ | ی |
| ۱۲ | ک | ا | ■ | پ | ا | ی | و | ر | ■ | ن | ی | ل | ■ | پ | س |
| ۱۳ | ه | ■ | ب | ر | ن | ■ | د | ا | ر | س | ی | ■ | ب | ر | ی |
| ۱۴ | ■ | پ | و | س | ا | ن | ■ | س | و | ا | ■ | ج | ی | ا | پ |
| ۱۵ | ب | و | ش | ه | ■ | س | ر | م | ا | خ | و | ر | د | گ | ی |